

از روزنامه نایم ادبی لندن ۲۷ سپتامبر

ترجمه آقای سعادت نوری اصفهانی

شعر فارسی

(۲)

اکثر از شعرای قدیم در یکقسمت از این رشته های چهارگانه کار میکردند ولی بعدها هرشاعری سعی داشت که مهارت و قدرت کلام خود را در هر چهار رشته به ثبوت رساند که از آنجمله بودند سعدی و جامی که به تمام اقسام مختلف شعر سرودند، مجموعه قصاید و غزلیات و رباعیات شاعر را دیوان مینامند و هرقسمت را جداگانه با رعایت تقدم و تاخر حروف تهجی آخر اشعار ردیف هم قرار میدهند.

مجموعه اشعار فردوسی یاخیام را دیوان نمیتوان گفت زیرا در یک رشته مخصوص کار کرده و پیرامون غزلسرائی نگردیدند. اگر شاعری علاوه بر نظم اشعار داستان متثوری نیز داشته باشد مجموعه آثار ویرا کلیات میگویند از صدها شاعر که دیوان و کلیات آنان به ما رسیده فقط عده معدودی شهرت نامی حاصل نموده اند و آنها نیز هر یک در یک رشته معینی تخصص داشته اند شعرای زیر دست معمولاً بدربار یکی از سلاطین و امرای وقت ملحق گردیده و مداحی ویرا پیشه کرده و در مقابل بدریافت صلوات و جوایز مفتخر میشدند و برخی از شعرا چند پادشاه را یکی بعد از دیگری مدح گفته و خدمت نموده اند.

فردوسی پس از آنکه قسمتی از شاهنامه را بنظم درآورده بود بدربار سلطان محمود رفته

شعرا علاوه بر اسامی مادری خود دارای یک اسم مخصوص شاعری نیز می باشند که آنرا تخلص مینامند. ابیات غزل باستانی مطلع و مقطع هر یک بایستی مثل مروارید های گردن بند برای خود مستقل و دارای معنی معینی باشد. تکیه کلام غزل معمولاً عشق و باده است و عبارتة اخیری در غزل بافراق و وصال معشوقه یا کیف و نشأه باده مورد بحث واقع میشود:

پیروان تصوف از قدیم الایام عادت داشته اند که بهت و حیرت دیانتی و اشقیاق الهی را با اصطلاحات دنیای مادی برشته نظم در آورند و بدین لحاظ از غزل میتوان افکار و معانی تصوف را استنباط کرد. از اشعار حافظ که از اساتید شعرای غزلسرایان میباشد هر دو معنی مستفاد میگردد و با وجودیکه معلوم نمیشود شاعر مشارالیه یک نفر صوفی منش یا آنکه شاعر خیالبافی بوده این نکته مسلم است که در شعر و شاعری نظیر و مانند نداشته

مثنوی - داستانی است که هر فرد فرد اشعار آن قافیه مخصوصی دارد ولی وزن و بحر آن تغییر نمی پذیرد.

برای رباعی حاجت توصیف نگارنده نیست زیرا (فتیز جلال) در ترجمه رباعیات خیام چنان زبردستی و استادی بخرج داده که در حقیقت سحر و اعجاز نموده است.

از شعرای برجسته قرن سیزدهم سعدی و رومی میباشند - سعدی در شیراز قدم بهرصه وجود گذارده و چندین سال حیات خود را صرف سیاحت و گردش نموده و هندوستان و عربستان و شامات و شمال افریقا مسافرت کرد . شاعر مشارالیه در اقسام مختلفه نظم و نثر دست داشت و کلیات او کتاب نسبتاً ضخیمی را تشکیل میدهد و در غزل بعد از حافظ نمره یک بشمار میرود از آثار معروف او یکی بوستان است که مشتمل بر یک سلسله داستانهای است که با سلوب مثنوی برشته نظم درآمد و دیگری گلستان که حکایات منظوم و منثور آن که از اکثر تناسخ اخلاقی گرفته میشود بایک لحن و شیوه دلپذیری تلفیق و ترکیب گردیده - گلستان درین ادبیات فارسی مجموعه منحصر بفردی است که نظیر آن در ادبیات سایر ملل یافت نمیشود .

جلالالدین رومی شاعر صوفی مش در غزل و مثنوی مقام برجسته ای را احراز نموده و کتاب عرفانی وی موسوم به مثنوی بمنزله کتاب مقدس فرقه متصوفه است و از آثار برجسته ادبیات فارسی محسوب میشود . سر تاسر این کتاب مشحون از افکار و عقاید عارفانه است و برای اینکه حقایق تعلیمات فرقه صوفیه بخوبی روشن و آشکار شود هرگونه فکر و خیالی که بمنحله شاعر خطور کرده در این کتاب مورد بحث واقع شده .

حافظ شیرازی که در قرن چهاردهم

و بایک عده از شعرا که معروفترین آنان اسانید قصیده سرا یعنی عنصری و فرخی و عسجدی بودند آشنائی بهم رسانید . آثار شعرای مزبور هنوز هم از بهترین نمونه ادبیات زبان فارسی بشمار میرود .

در قرن دوازدهم در دوره سلجوقیان انوری و خاقانی از شعرای معروف مدیحه سرا محسوب میشوند قصاید خاقانی بقدری مشحون از کنایات و استعارات مرموز است که بدون مساعدت استاد یا تفسیرات کافی پس به مقصود اشعار نمیشود بر دو عجب اینجاست که در عین احتوای معانی غامضه باز حلاوت و ملاحظت آنها بجای خود باقی مانده است بزرگترین شاعر این دوره نظامی است که از بهترین اسانید افسانه ساز محسوب است خسته وی مشتمل بر مخزن الاسرار و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و اسکندر نامه و هفت یکرمی باشد در اشعار نظامی در عین اینکه اصول و قواعد عروض مراعات شده استعارات و تشبیهات ملیحی نیز بکار رفته و حقیقت فضایی داستان در نظر خواننده مجسم میشود درین شعرای ایران نظامی زیاده تر از سایرین از صنایع ظریفه و تذهیب و امثال آن تشویق بعمل آورده است عمر خیام نیز از شعرای همین عصر است ولی زبردستی وی زیاده تر در نجوم و ریاضیات بوده و از شاعری مداحی اشخاص را قصد نداشته بلکه شعر را برای سرگرمی و تفریح خود میسروده و بهمین مناسبت بساختن رباعی اکتفا کرده و به نظم سایر اقسام شعر دست نزده است .

العیار بایکنفر نقاش زبردست ایرانی بخوبی معلوم میشود که افکار و عقاید آنها نظیر یکدیگر است حافظ و بهزاد نسبت بسایر شعرا و نقاشان تفاوتی که دارند این است که آنها استادتر و زبردست ترند . شعرای مثنوی ساز نیز که وظیفه آنان توصیف مناظر معین و دقائق مخصوصی است و قهرآمیدان وسیعتری برای تشریح و تجسم افکار خود دارند باز خود را به يك سلسله تشبیهات و مضامین خاصی محدود و مقید میسازند . بهترین نمونه مثنوی در زبان ما منظومه های ویلیام موریس میباشد .

رودکی پدر ادبیات فارسی که در اواسط قرن دهم رحلت کرد اولین شاعر مثنوی ساز بود و افسانه های ویدیا یعنی قصص و حکایات معروف هندوستان را از زبان عربی بنام کلبله و دمنه ترجمه نموده نسخه کتاب رودکی این ایام از بین رفته ولی در عصر خود نهایت اشتهار رداشته باین دلیل که یکی از فرهنگ نویسان قدیمی به اشعار آن استشهاد جسته و در حدود صد بیت از آنها را نقل و اقتباس نموده . علت اینکه منظومه فوق بکلی از بین رفته بخوبی مشخص و معلوم نیست ولی احتمال قوی میرود که مندرجات آن مخالف معتقدات مسلمین متعصب ادوار سلف بوده و بقای شاهنامه فردوسی که در آن نیز اعمال سلاطین غیر مسلم و مورد بحث واقع شده حاکی از شوق و علاقه آنها به عظمت و ابهت ایام سابق است که اصول

مزیسته فقط از لحاظ غزلیات آبدار و شیرین خود معروف است و هرایرانی باسوادى یکجمله از دیوان او را در دست دارد . آخرین شاعر بزرگ کلاسیک جامی است که در قرن پانزدهم زیست مینمود . جامی نیز مثل سعدی بانواع و اقسام نظم و نثر تسلط داشته و کلیات او مفصلتر از کلیات سعدی میباشد و در افسانه سازی گویا بعد از نظامی و درغزل سرانی پس از سعدی قرار میگیرد .

شاید این نکته چندان از حقیقت و انصاف دور نباشد که شیرینی غزلیات فارسی زیادتى منوط بکلمات دلپذیر و الفاظ مطبوعی میباشد که در آنها بکار رفته نه افکار و معانی آنها - مضامین غزلیات فارسی محدود ب همان هائی است که متقدمین ابتکار کرده اند و نصب العین شعرای خلف این است که همان مضامین را با الفاظ دلپذیر تری ادا کنند نه اینکه مبتکر مضامین و تشبیهات جدیدی باشند .

معشوق و محبوب تمام شعرای ایران نیز واجد يك سلسله اوصاف مشابه است مثلاً بایستی دارای قامتی رعنا چون سرو و سیمانی تابان و درخشان مثل ماه باشد و چشمانش بسان زرگس و لبانش یاقوتی و گیسوانش مجعد و مشکین بوده باشد .

تشبیهاتی که درغزل مورد استعمال واقع میشود خیلی معدود و محدود ولی در عین حال دلپسند و مطبوع است از آثار يك نفر شاعر کامل

مذهبی را تحت الشعاع قرار داده .
داستانهای شاهنامه از قدیم ترین قهرمانان
افسانه‌های ایرانیان شروع و به بزرگد سوم
آخرین سلاله ساسانیان که سلطنت او را اعراب
در اواسط قرن هفتم منقرض نمودند ختم میشود .
این شاهکار عظیم که در ظرف سی و پنج
سال انجام گرفته مقبس از نوشته‌جات و حاصل
اطلاعات شفاهی است که سلا بعدنسل بزرگتشیان
ایران رسیده .
تاریخ ایران قبل از ساسانیان مخلوط
با افسانه است و از زمان آن طایفه یعنی از قرن
سوم باینطرف حقایق تاریخی در دسترس علاقه
مندان بدین موضوع قرار گرفته . اگر فردوسی
اطلاعات تاریخی هر دو را داشت داستان های
مفیدی می توانست از کوروش و کامبوزیا و داریوش
برشته نظم درآورد . شاهنامه وی که منظومه
مفصل و بزرگی میباشد بحر تقارب سروده شده
سابق بر این از حالات فردوسی اطلاعات
کافی در دست نبود تا اینکه مستشرقین اروپائی
در ادبیات فارسی مطالعات و تتبعات لازمه بعمل
آورده و در اواخر قرن اخیر پرفسور تلد که فقید
از زندگانی شاعر ملی ایران مطالب روشن و
حقایق آشکار را کشف نمود . مستشرق مأسوف
علیه در معدودی کتب پهلوی که تاکنون از
دستبرد حوادث روزگار مصون مانده و در برخی
از تواریخ قدیم عرب نظیر اکثر حکایاتی را که
فردوسی بوسیله منظومه خود از زوال آنها

جلوگیری بعمل آورده کم و بیش ملاحظه نموده
ولی در عین حال دلایلی بدست نیاورده که فردوسی
کاملاً با ادبیات پهلوی و عرب آشنا بوده و معتقد است
که در زمان شاعر يك سلسله آثار ادبی فارسی
حاوی همین قبیل حکایات وجود داشته که اینک
ازین رفته است .

در قرن ۱۴ حمدانیه مستوفی که از خوان
نعمت سلاطین مغول تنعم مینمود تکمیل شاهنامه
را بعهده گرفته و وقایع تاریخی را از آنجا که
فردوسی متوقف گذارده بود ادامه داده و تا استیلای
مغول را بظلم درآورد . از این منظومه که موسوم
به ظفرنامه و بهمان قطر شاهنامه است فقط يك
نسخه باقی مانده و آن نسخه منحصر بفردهم با
سواد يك نسخه کامل شاهنامه در موزه بریطانیا
میباشد .

این نکته جای بسی تعجب است که شاهنامه
که واقعات و سرگذشت سلاطین قبل از اسلام
در آن برشته نظم در آمده اینطور معروف
و نسخ متعدده از آن در دسترس عموم میباشد
در حالی که از ظفرنامه که مشتمل بر وقایع و حوادث
سلاطین مسلمانان ایران است بیش از يك نسخه
باقی نمانده .

کسانی که مطالعات آنها محدود به ادبیات
مغرب زمین است و از دواوین و کتب چاپی
چهار قرن باینطرف استفاده برده اند بخوبی نمیتوانند
اشکالاتی را که علاقه مندان به ادبیات اسلام با آن
دست بگیریان میباشد احساس نمایند زیرا که

کتاب مورد مطالعه اینها نسخه‌های خطی است که اغلب منحصر بفرد میباشد .
چه بسیار کتب و تألیفاتی که نام آنها بر ما رسیده یا مختصری از مطالب آنها در سایر کتب اقتباس گردیده ولی نسخه اصلی کامل آنها ازین رفته خدایمیداند چه مقدار کتب تألیف شده که حتی اسم آنها هم از خاطر ما محو گردیده است .
حسن و قبح آثار ادبی فارسی را :

از آنها که باقیمانده میتوان حکمیت نمود و از انهایی هم که تاکنون از دستبرد حوادث روزگار محفوظ مانده يك قسمت خیلی جزئی و مختصر بحلیه طبع آراسته شده . آثار قدیمه ادبی ایران را نیز در بادی امر مستشرقین اروپائی بصورت طبع در آوردند باین معنی که در سال ۱۸۱۱ لومزدن Lumsden يك قسمت از شاهنامه را بچاپ رسانید و در ۱۸۲۹ طرنر مکن Turner macan تمام آنرا . جای بسی مسرت است که این ایام در تحت **لوای باعظمت**

اعلی حضرت پهلوی صنعت چاپ ترقی سریعی در طهران نموده و در سالهای اخیر يك سلسله کتب مهمه که کمتر معروف ولی حائز نهایت اهمیت بوده بوسیله فضیای ایرانی بطرز و اسلوب جدید طبع رسیده . عملیات مؤلفین و ناشرین کنونی يك قسمت مرهون زحمات مستشرقین مغرب زمین میباشد و قسمتی هم مرهون روحیه جدید غرور ملی که این ایام بوسایل مختلفه دوسر تا سر ایران تجلی کرده است - با وجود اینکه یکسلسله

کتب ادبی از چندی باینطرف در دسترس علاقه مندان باین فن قرار داشته باین وصف جای تعجب است که تعداد ترجمه های انگلیسی اینگونه کتب نهایت محدود بوده است بلاشبهه این نقیصه بواسطه اینست که گذشته از رباعی ترجمه سایر انواع اشعار فارسی به نظم انگلیسی چندان متناسب بنظر نمی آید و از طرفی ترجمه مشور آنها نیز ملاحظت و شیرینی اصل را فاقد میباشد .

شاهنامه تمام بر سه زبان اروپائی یعنی بالسه فرانسه و انگلیسی و ایتالیائی ترجمه شده و منتخبات مفصلی از آن نیز بوسیله شش نفر از دانشمندان بریتانیا ترجمه و طبع و توزیع گردیده است .

ترجمه برادران وارنر Warner که در ۱۹۰۵ در هشت مجلد طبع و نشر شده بقایت نفیس و ممتاز میباشد و باین که بحر و قافیه آن بااصل اشعار فردوسی تفاوت دارد معذک افکار واقعی شاعر را بخوبی و درستی در نظر مجسم میسازد .

دواین دو شاعر دیگر نیز بطور کامل بزبان انگلیسی ترجمه و منتشر گردیده یکی دیوان غزلیات حافظ است که بیکنل N. bicknell و جان پین Payne بزبان انگلیسی در آورده اند و دیگری مشوی جلال الدین رومی که نیکلسین ترجمه نموده ،

گلستان سعدی را نیز سه نفر یعنی فرانسیس گلاوین Francis Glab Win و ایستویک

غزل معروف حافظ را : «اگر آن ترک شیرازی
 بدست آرد دل مارا، درج نموده است»
 تذکار این نکته نهایت لزوم را دارد که حسن
 و ملاحظه ادبیات فارسی منوط باهنگ و قوافی
 و طرز ادای کلمات و تشبیهات و استعارات
 می باشد و مراعات کلیه این اصول و قواعد
 در ترجمه خالی از اشکال نیست .

درین اقسام مختلفه شعر فارسی تنها
 رباعی بهمان حسن اسلوب اصلی بزبان ما
 ترجمه میشود و در ترجمه سایر اقسام شعر
 حسن اسلوب اصلی از دست میرود و نبایستی
 انتظار داشت که سوای رباعی سایر قسمت های
 نظم فارسی بهمان ملاحظه اصلی ترجمه شود
 ولو اینکه یکسفر فیتز جرال د ثانوی نیز قدم
 بحر صه ظهور گذارد زیرا از رباعی که بگذریم
 انواع دیگر شعر فارسی بذائقه انگلیسیها
 وفق پیدا نمیکند .

فارسی تنها یعنی پارسی خالص زبان
 وسیعی نیست و اگر بواسطه لغات و کلمات
 عاریه عربی نبود نظم قصاید مفصل و غزلیات
 و غیره آنها باقوافی معینی نهایت اشکال
 را داشت . صحت این مدعی از منظومه
 شاهنامه بخوبی به ثبوت میرسد زیرا فردوسی
 که سعی داشته است حتی الامکان از استعمال
 کلمات عربی احتراز جوید یک عده لغات
 معدود مخصوص را در قوافی اشعار شاهنامه
 بکار برده .

E. B. Eastwick و جیمز راس
 James-Rass ترجمه کرده اند ،
 بوستان سعدی نیز تحت اللفظی توسط
 کلارک بزبان انگلیسی ترجمه شده .
 W. H. Clarke . ازافسانه های نظامی
 لیلی و مجنون را اطلکینسن T. Atkinson
 اسکندر نامه را کلارک فوق الذکر و هفت پیکر
 را ویلسن C. E. Wilson ترجمه کرده اند .
 از مثنویهای جامی نیز سلمان و اسال
 را ادوارد فیتز جرال د و یوسف و زلیخا را
 گریفت R. T. H. Griffith و الکسندر
 راجرز Alexander Rogers با انگلیسی
 در آورده اند . سرآمد کسانی که آثار ادبی
 فارسی را جسته جسته بزبان انگلیسی ترجمه
 نموده اند پرفسور برون معروف میباشد که
 چهار جلد از تألیفات وی موسوم بتاریخ ادبیات
 ایران شایان همه گونه تقدیس و تمجید میباشد .
 فقید ماسوف علیه علاوه بر چهار جلد کتبات
 مزبور کتابی نیز بنام منتخبات ادبیات تألیف
 و طبع نموده است .

بهترین ترجمه هائی که تاکنون انجام
 یافته ترجمه اشعار حافظ بوسیله جرطرودیل
 Gertrude Bell میباشد و والتر لیف
 Walter Leaf فقید نیز چند غزل از حافظ را
 بهمان طرز بحور و قوافی اصلی بزبان انگلیسی
 در آورده .
 (نویسنده در اینجا ترجمه انگلیسی این

در این که فردوسی در نظم شاهنامه تصنع نموده و تمعداً از بکار بردن لغات عربی دوری جست جای تردیدی نیست زیرا که در اشعار شعرای معاصر وی و در چند قطعه دیگر از قطعات خود فردوسی کلمات عربی زیاد بکار رفته است .

قصه شعرای ایران از استعمال تجنیس اثبات تسلط آنها در فن شعر و شاعری میباشد. در رباعیات خیام معدودی کلمات جناس دار از قبیل گور که یکی بمعنی خر وحشی و دیگری بمعنی قبر است ملاحظه میشود شاهنامه و مثنوی ملای رومی مشحون از کلمات جناس است . فهم کامل معانی اشعار فارسی مستلزم یکسلسله اطلاعات از قرآن و احادیث است معنی رباعیات خیام را کلیه مسلمانانی که بزبان فارسی آشنا میباشند کم و بیش سهولت درک میکنند در حالیکه انگلیسیها معنی بعضی از آنها را بدون تعلیقات و حواشی نخواهند فهمید .

کسانی که خواسته باشند بکنه معانی اشعار فارسی پی ببرند اطلاعات آنها بایستی منحصر بترجمه های انگلیسی باشد و چه زحمت آموختن زبان فارسی را بخود هموار کنند و چه نکنند بایستی اقلای ترجمه قرآن را با تفسیرات لازمه که در ترجمه مشهور سیل

Sale یافت میشود مطالعه نمایند .

ایرانیان که شاید بدان اکثر ملل سائره در حفظ آثار و ابنیه تاریخی و صنایع ظریفه ملی خود لاقیدی بخرج داده اند در صیانت آثار ادبی نهایت حقتناسی و وفا داری ملحوظ داشته اند و بمطالعه و قرائت و تلفیق و ترکیب اشعار بنسبت ذی علاقه میباشند . ایجاد و اختراع صنایع در مواقع بحرانی رو به تقلیل و انحطاط گذارده ولی شعر و شاعری هیچگاه از میان نرفته است چنانچه در همین اواخر یعنی در اواسط قرن نوزدهم شاعری موسوم به قافانی در ایران ظهور کرد که در تسلط کلام و سلاست و جزالت اشعار از سر آمدان این فن بشمار میرود .

در این اواخر مجموعه ای از منتخبات اشعار فارسی و سه نفر از شعرای معاصر بحلیه طبع آراسته شده که اکثر آنها در جامعه حائز احترامات و حیثیات شایانی میباشند - در میان این عده چند نفری هستند که یک سلسله از قواعد و اصول سالفه را پشت پا زده و از حدود قوانین عروضی تخطی نموده اند و بدینوعیله میدان جدیدی برای ادبیات این ملت قدیمی باز شده که در آن مواهب غریزی خود را بمنصه ظهور برسانند . (۱)

انتهی

(۱) بسیاری از مطالب این مقاله انگلیسی مستلزم جواب است و جواب را در شماره بعد خواهید خواند .